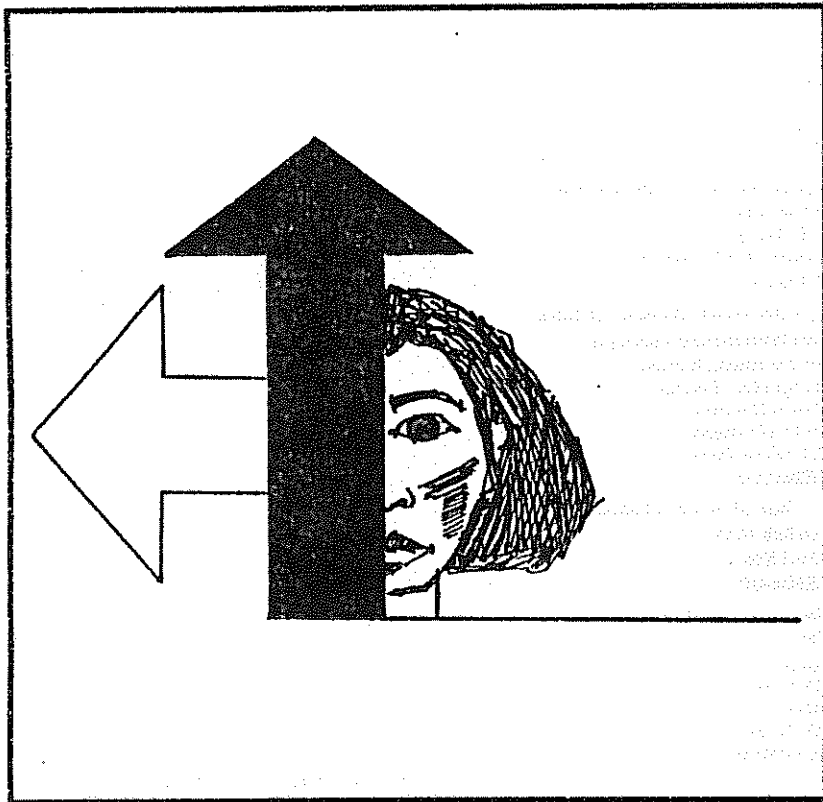


# بر زنان در ایران چه می گذرد؟

ثریا شهابی



کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران

۱۳۸۴

**آدرس تماس کمیته‌ها  
و نهادهای کمپین بین‌المللی  
دفاع از حقوق زنان در ایران**

هماهنگ کننده سراسری: میتا احمدی  
Postfach 102515  
50465 Köln

اتریش: هماهنگ کننده، زهره محمد بیگ  
Hofgasse 9/1/4  
1050 Wien

آمریکای شمالی: هماهنگ کننده، رامش احمدی  
آدرس پستی:

GPO  
P.O.Box 7051  
New York, NY 10116  
U.S.A.  
(212) 747-1046  
(212) 248-4138

تلفن:  
فاکس:

کانادا: هماهنگ کننده، آسیه سپهری  
Asieh Sepchery  
P.O. Box 24003  
London, ONT, N6H 5C4  
CANADA

دانمارک: هماهنگ کننده، ناهید ریاضی  
Den Internationale Kampagne  
for den Iranske Kvinders  
Rettigheder - Danmark  
Tidsskriftscentret  
Griffen Feldsgade 35  
2200 København, N  
DENMARK

آلمان: هماهنگ کننده، آدر سینا  
Postfach 102515  
50465 Köln  
GERMANY

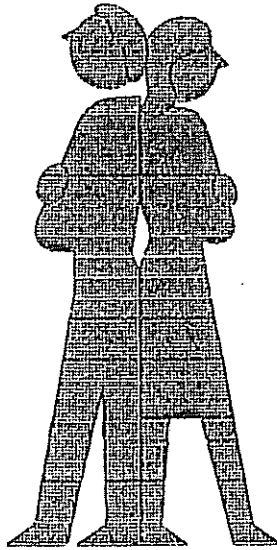
سوئد: هماهنگ کننده، سوسن بهنام  
KFKI  
Box 302  
175 25 Järnålla  
SWEDEN  
FAX: 08 / 7517334  
Tel: 077 761 88 97

نروژ: هماهنگ کننده، هیرو احمدی نیا  
H. Ahmadian  
Box 257  
NORWAY

طرح از سیمین

## فهرست:

- |    |                                     |
|----|-------------------------------------|
| ۱  | ◆ مقدمه                             |
|    | ◆ گوشه هایی از واقعیات زندگی و      |
| ۳  | کار زنان در ایران                   |
| ۱۹ | ◆ منابع                             |
|    | ◆ سند محکومیت جمهوری اسلامی و حق    |
|    | پناهندگی سیاسی زنان گریخته از ایران |
| ۲۰ | را تأیید و امضاء کنید               |



مقدمه:

## بر زنان در ایران چه می گذرد؟

اگر به ایران میروید، موهائیتان را کوتاه و برجستگی سینه هایتان را پنهان کنید تا نشانی از زن بودن به همراه نداشته باشید. اگر هم زن نیستید تصادف متولد شدن با جنسیت غیر زن را سپاس بگوئید، هرچند که مرد بودن و مرد زندگی کردن در جامعه ای که نیمی از انسانهایش به بردگی کشیده شده اند نیز بسختی قابل تحمل است.

فراوش نکنید به کشوری میروید که در آن رژیم آپارتاید جنسی علیه زنان حکومت میکند. در ایران زن تنها بدلیل زن بودن اش، بخاطر جنسیت اش، از نظر رژیم جمهوری اسلامی یک عنصر مشکوک سیاسی است و اگر کنترل نشود ذاتا یک تبهکار اجتماعی است. در این جغرافیا رژیم بردگی زن حکومت میکند

و زن بودن حقیقتاً جرم است.

قانون و حکومت جمهوری اسلامی در این کشور زن را متهم میکند که منشا فساد و عامل گمراهی جوامع بشری است و باین جرم هر روز و هر لحظه او را از زمانی که طفل خردسالی است تا هنگام مرگ، کنترل، مجازات و تنبیه میکند.

اگر به ایران میروید، نشان و علائم زنانه را پنهان کنید، نه باین دلیل که سرانجام ناچاران خواهند کرد آنها را بیپوشانید، بلکه باین خاطر که مجبور نباشید چند روزی را چون زن تحت حکومت اسلام بگذرانید. بهتر است زن بودن خود را انکار کنید تا اسارت و هر روز و هر لحظه تحقیر شدن را تجربه نکنید. قریب سی میلیون زن و دختر بچه ای که بیش از چهارده سال است که تحت این حکومت آپارتاید جنسی زندگی می کنند، چنین امکان و راه فراری ندارند.

جمهوری اسلامی، رژیم بردگی زن، حکومت ترور و خفقان را، اغلب شما مردمی که خارج از مرزهای این کشور زندگی میکنید میشناسید. خیر اعداها، تیربارانها و ترورهای حکومت ایران بگوش بسیاری از شما رسیده است. حجاب اجباری و بی حقوقی زن در ایران سالهاست بر پرچم ملی این کشور حک شده است. نام ایران برای بسیاری از شما، درکنار همدردی تان با مصائب مردمی که در آنجا زندگی میکنند، ترس آوراست.

“حجاب اجباری و بی حقوقی زن در ایران سالهاست بر پرچم ملی این کشور حک شده است. نام ایران برای خیلی ها، در کنار همدردی شان با مصائب مردمی که در آنجا زندگی می کنند ترس آور است.”

با این حال بازگو کردن هرچه بیشتر واقعیات زندگی زنان در ایران و افشای ابعاد

بی حقوقی آنها، لازمه کمک به مبارزه زنان در ایران است. اینها کیفرخواست و ادعانامه میلیون ها زنی است که در این جغرافیا گرفتار توحش اسلام شده اند.

## گوشه هایی از واقعیات زندگی و کار زنان در ایران

آیا میدانید که در ایران، زن از نظر حقوقی جنس فرودست است و این فرودستی طبق تعالیم اسلام از ذات زن سرچشمه می گیرد؟

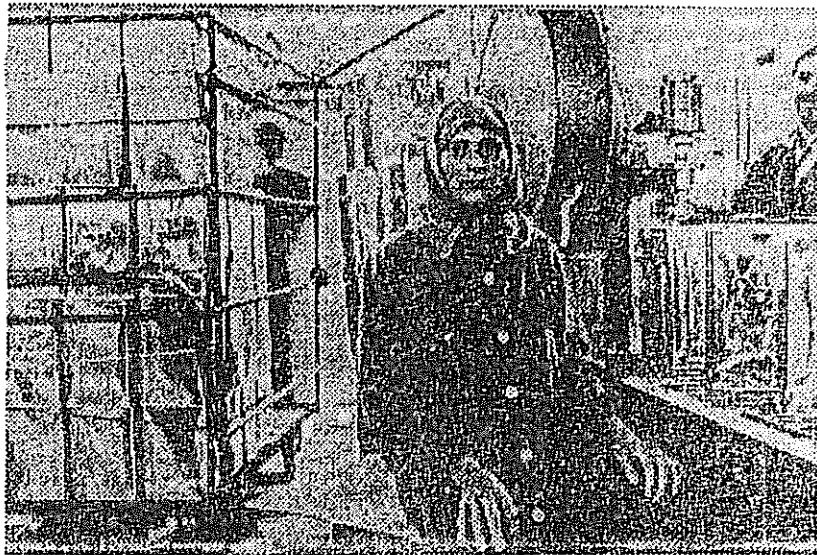
— زنان و دختران در ایران از سن شش سالگی "قانوناً" از آزادی انتخاب پوشش محروم میگردند و ناچار میشوند هنگام حضور در تمام اماکن عمومی، عبور از خیابانها و.. خود را در پوشش بخصوصی بنام حجاب بپوشانند. پوششی که تحرک انسان را به حداقل میرساند، از فرق سر تا پاشنه پا را میپوشاند، انسان را از شباهت به انسان دور و به اشیاء نزدیک میکند، غیر بهداشتی، زشت، گرم، بد رنگ، و دست و پاگیر است.

— بسیاری از خانواده ها بخاطر اجتناب از درگیری با ماموران کنترل حجاب، دختران کوچک شان را پیش از رسیدن به سن قانونی و از همان طفولیت در سن ۴ سالگی— در این پوشش میپوشانند و آنها را ناخواسته به حجاب عادت میدهند.

— در اتوبوسها، رستورانها، در وسائل نقلیه عمومی، سینماها، پارکها، زمینها و سالنهای ورزشی، ادارات، کارخانه ها، کوردهستانها، مدارس، دانشگاه ها، سواحل دریاها، استخرها، کوه ها، کتابخانه ها و تمام اماکن عمومی، زنان و مردان از یکدیگر جدا شده اند و مردان برای استفاده از امکانات حداقلی که در این زمینه ها وجود دارد همواره در اولویت هستند.

— گشتهای بخصوصی مسلح به انواع سلاح های مناسب جنگ های خیابانی و

مجهز به انواع وسائل دستگیری، با اتوموبیل و پیاده، مداوما از خیابانها و اماکن عمومی عبور میکنند، تمام گوشه و کنار شهر را تحت نظر دارند و مراقب اند که حجاب و جداسازی کاملاً رعایت شود. علاوه بر این مامورین ویژه ای رعایت جداسازی و حجاب در تمام محلهای کار، ادارات، کارخانه ها، مدارس و دیگر محلهای سرپوشیده را کنترل میکنند.



— شکار زنان "متخلف"، توهین، دستگیری و بازداشت آنها کار هر لحظه و هر روز این ماموران است. زنی نیست که طی چهارده سال حاکمیت جمهوری اسلامی بارها و بارها بنوعی مورد تعرض و آزار این ماموران قرار نگرفته باشد و وحشت مواجه شدن با یکی از این ده‌هزار مامور، لرزه بر اندامش نیانداخته باشد.

— علاوه بر ماموران رسمی و دادگاههایی که طبق قوانین مدون زنان "متخلف" را بازداشت و مجازات می کنند، گروه‌های باندهایی نیز وجود دارند که بطور "غیررسمی" زنان را در خیابانها کنترل می کنند و مورد حمله قرار می دهند. این گروه ها حزب الله نام دارند، مسلح به چاقو و سایر اسلحه های سرد و مواد شیمیایی چون رنگ و اسید هستند، به هنگام مشاهده "تخلف"، زنان را بلافاصله در محل مورد حمله قرار میدهند و هرگونه مجازاتی که لازم بدانند در مورد زن متخلف به اجرا درمی‌آورند.

— گروه های حزب الله که بطور سازمان یافته ای عمل میکنند رسماً مورد حمایت رژیم هستند، مقامات دولتی بارها آنها و اعمالشان را مورد حمایت قرار داده اند و بارها زنان را تهدید کرده اند که در صورت عدم تمکین به مقررات حجاب و جداسازی، حزب الله را علیه زنان تحریک خواهند کرد. گروه های حزب الله بخصوص در مقاطعی که اعتراضات مردم اوج می گیرد، بجان زنان انداخته میشوند و خشونت آنها همواره اسلحه و وسیله ای است که رژیم توسط آن مردم و بخصوص زنان را مرعوب می کند.

— قانون مجازات امکان میدهد که اعمال حزب الله، هرچند که خلاف قانون باشد، جرم محسوب نشود. طبق ماده ۳۱ این قانون اعمالی که بخاطر آمریه معروف و نهی از منکر صورت می گیرد (یعنی بخاطر انجام یکی از فرامین اسلام، فراخوان به انجام اعمال اسلامی و نهی از اعمال غیر اسلامی، صورت می گیرد) هرچند که در زمره اعمالی باشد که برای آنها مجازات مقرر شده،



جرم محسوب نمی شود. قانون قضایی کشور باین ترتیب رسماً از حملات، خشونت و وحشیگریهای فردی مأمورین غیررسمی خود، دسته های باندهای حزب الله، در هرکجا و هر لحظه ای علیه مردم و بخصوص علیه زنان حمایت میکند.

— طی چهارده سال حکومت جمهوری اسلامی دهها هزار زن توسط اوباش حزب الله بوسیله مشت و لگد و چاقو و تیغ، وحشیانه مورد حمله قرار گرفته اند. بر روی صورت صدها نفر رنگ و اسید پاشیده شده است و صدها هزار زن توسط آنها مورد توهین و فحاشی قرار گرفته اند.

— در مدارس برخی از مریمان و مسئولین با سوءاستفاده از اعتماد کودکان نسبت به کادر آموزشی و با توسل به ارباب، به کودکان و دانش آموزان میآموزند و آنها را فریب میدهند که رعایت حجاب و جداسازی را درخانه هایشان کنترل کنند و اگر مادر یا خواهر آنها موردی را رعایت نکرد به مدرسه اطلاع دهند. از کودکان در مدارس در مورد رفتار و روابط اعضا خانواده در خانه بازجویی میشود.



اچپار مذهبی در مدارس

— مجازات شکستن حریم جداسازی و عدم رعایت حجاب، توهین، جرمه نقدی، اخراج، محرومیت از تحصیل و کار، تحمیل ازدواج ناخواسته، دستگیری، زندان، کتک و شلاق است. درجه مجازات بستگی زیادی به میزان ایستادگی و مقاومت زن دارد و میتواند به مرگ زن "مجرم" هم بیانجامد.

— طی سالهای حکومت جمهوری اسلامی، ده ها هزار زن و دختر نوجوان تنها بخاطر زیرپا گذاشتن مقررات اسلام در مورد حجاب، جداسازی و رابطه جنسی، چندین سال از عمرشان را در زندان و زیر شکنجه گذرانده اند و هزاران زن دیگر بهمین جرم به مرگ محکوم شدند و به قتل رسیدند.

— سنگسار، یعنی با پرتاب سنگ کشتن زن "خطاکار" یعنی زنی که خارج از مقررات اسلام با مردی رابطه جنسی داشته باشد، قانون قضایی این کشور است.

تقریباً دهها هزار زن و دختر بخاطر سرپیچی از قوانین ضد زن و شکستن حریم جداسازی، تنبیه و قربانی میشوند.

— بی تأمینی اقتصادی زن و وابستگی اقتصادی او به مرد به درجه ای از نظر اسلام و قوانین جمهوری اسلامی طبیعی است که:

قانون به زنان و دختر بچه ها اجازه داده است، بشرط رعایت مقررات اسلام و خواندن دعاها، مرابوطه و وساطت و کارگزاری یک ملا، یکی از ماموران خدا، برای امرارمعاش، تن فروشی کنند. رسماً خود را در مقابل تأمین معاش به همسری موقت یک مرد، برای مدت یکساعت تا صد سال درآوردند و از این راه خود یا خانواده شان را تأمین کنند. قانون همچنین به مردان، در هر سنی، اجازه داده بشرط داشتن استطاعت مالی پرداخت هزینه های مرابوطه، هر تعداد از این زنان و دختر بچه ها را که خواستند، موقتاً بعنوان همسر در اختیار داشته باشند و آنها

را مورد استفاده جنسی قراردهند. نام این تن فروشی قانونی و اسلامی، قانون صیغه است.

— علاوه بر این تعدد زوجات و داشتن حداقل چهار همسر قانونی علاوه بر تعداد نامحدود زنان صیغه شده، بشرط رعایت مقررات اسلام و داشتن استطاعت مالی، برای مردان، آزاد و مشروع است. در مقاطع بخصوصی، چون دوران جنگ، مردان برای داشتن زنان بیشتر و تامین مالی آنها تشویق میشوند.

— قانون، طبق تعالیم اسلام، از مردانی که زنان خود را بخاطر سرپیچی از فرامین آنها مورد ضرب و شتم قرار میدهند، حمایت میکند. خشونت علیه زنانی که در روابط خانوادگی رفتاری جز رفتار اسلامی داشته باشند، مجاز است.

— حق طلاق و آزادی جدایی از همسر، یکجانبه و تنها برای مردان به رسمیت شناخته شده است.

— پس از طلاق و جدایی زنان و مادران نسبت به فرزندان خود کمترین حقی ندارند و قانون قیمومت آنها را تماما به پدران و در غیاب پدران به سایر مردان خانواده می سپارد.

— زن تنها میتواند، پس از جدایی، تا ۲ سال پسر و تا چهار سال دختر را — بمنظور شیردادن و مراقبت — نزد خود داشته باشد.

— پس از طلاق زن نسبت به اموال و دارایی های زندگی مشترک، حقی ندارد.

— دختران بدون رضایت و اجازه پدر، و در غیاب پدر اجازه و رضایت جد پدری، حق انتخاب همسر را ندارند و سن قانونی ازدواج برای دختران ۹ سالگی است.

— هرگونه معاشرت و دوستی با مردان خارج از عقد ازدواج جرم شناخته میشود و شامل مجازاتهایی چون شلاق، زندان، ازدواج اجباری و مرگ است.

— زنان و دختران قانوناً از حق مسافرت، خروج از منزل و اشتغال بکار، بدون کسب اجازه از شوهر، محرومند.

— زنان تنها در شرایطی مجاز به انجام کار خارج از خانه هستند که این کار به وظایف اصلی تر آنها لطمه نزند. وظایف اصلی زنان مادری، کارخانگی، نگاهداری از خانواده و خدمت به مردان، تعیین شده است. قانون انجام این امور را تماماً بردوش زنان گذاشته است و زن به مرد، همسر، پدر و برادر، از نظر اقتصادی وابسته است.

— زنان رسماً موجوداتی تعریف شده اند که بخاطر احساساتی بودن، تصمیم غیر عقلایی میگیرند و باین دلیل حق قضاوت و کار بعنوان قاضی ندارند.

— شهادت دو زن در دادگاهها و مراجع قضایی معادل شهادت یک مرد است. شهادت هر تعداد زن در یک پرونده قضایی بدون وجود شهادت حداقل یک مرد در آن پرونده، اعتبار ندارد. پس از مرگ نیز همچون دوران زندگی، زنان کم ارزش تر از مردان اند. "خون بها" مرد کشته شده، (میزان خسارت و پول خونی که طبق یکی از عقب مانده ترین تعالیم جوامع بدوی، خانواه کسی که یکی از اعضا آن به قتل رسیده میتواند از خانواده مقتول بگیرد) از "خون بها" زن به قتل رسیده بیشتر است. قانون صراحتاً از این حکم اسلام تحت این عنوان که مردان طبیعتاً نقش سرپرستی و تامین معاش خانواده را برعهده دارند، دفاع میکند. نام این قانون، قانون قصاص است.

— زنان از تحصیل در بیش از ۹۰ رشته تحصیلی و شرکت در مسابقات ورزشی بین المللی، محروم اند. درحال حاضر بسیاری از رشته های دانشگاهی تماماً مردانه است. طبق گزارشات رسمی، از مجموع ۴۳۱ رشته دانشگاهی در

۱۲۳ رشته دانشجوی دختر تحصیل نمی کند.

- زنان از شرکت در بسیاری از فعالیتهای هنری و فرهنگی، که بنوعی مستلزم بکارگیری اجزاء بدن است، محروم اند. صدای آواز زن جذبه جهانی دارد و شنیده شدن آن توسط مردان ممنوع است. رقص و پایکوبی زنان در حضور مردان از جمله جرائم سنگینی است.

زنی نیست که طی چهارده سال حاکمیت جمهوری اسلامی بارها و بارها بنوعی مورد تعرض و آزار ماموران کنترل حجاب و جداسازی قرار نگرفته باشد و وحشت مواجه شدن با یکی از این ده ها هزار مامور، لرزه بر اندامش نیانداخته باشد.

آیا میدانید که هر سال دهها هزار زن و دختر بخاطر سرپیچی و تخلف از این قوانین تنبیه و قریانی میشوند؟ و زنان و مردان بسیاری در اعتراض به این قوانین سرکوب میشوند؟

- طبق بیانیه ای که "سازمان جهانی همبستگی با زنان ایران" در پاریس منتشر کرد، سال گذشته، دختر ۱۳ ساله ای، بنام سارا وفایی، ضمن فرار از چنگ ماموران مبارزه با بدحجابی از یک ساختمان ۵ طبقه سقوط کرد و کشته شد.

- حدود دو سال پیش دختر نوجوانی که مامورین مدرسه طی تجسس و بازدید بدن و کیف او عکس یک هنرپیشه "غیر مجاز" را در میان وسایل او یافته بودند، خودکشی کرد و کشته شد. دلیل خودکشی این نوجوان وحشت از تنبیه، توهین و شرم از کشیده شدن پای خانواده به این قضیه بوده است.

- آمار تعداد خودکشی در بین زنان بالا و روبه افزایش است.

— روزی نیست که زنان و به حمایت از آنها مردان با ماموران مبارزه با بدحجابی و ماموران کنترل جداسازی در این گوشه شهر و آن گوشه درگیر نشوند و اعتراض جمعی صورت نگیرد. روزی نیست که دهها زن دستگیر، زندانی و بخاطر عدم رعایت مقررات حجاب و جداسازی تنبیه نشوند و هزاران زن دیگر باین خاطر مورد تعرض مامورین کنترل رژیم قرار نگیرند.

— طبق اظهار مقامات رژیم، در سال ۹۱، یکصد و سیزده هزار زن — یعنی روزانه حدود ۳۱۰ نفر — بخاطر عدم رعایت حجاب و جداسازی دستگیر شده اند.

— طبق قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل که در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران صادر شد، در همین سال، طی سه روز در فصل گرما، ۸۰۰ زن به اتهام بدحجابی تنها در پایتخت دستگیر شده اند.

— در یکی از روزهای تابستان همین سال، تلاش ماموران رژیم برای دستگیری چند زنی که حجاب را رعایت نکرده بودند، در مرکز شهر اصفهان، منجر به تظاهرات وسیع اعتراضی مردم شد و این تظاهرات با تیراندازی ماموران رژیم و دستگیری ۳۰۰ نفر خاموش شد.

— حمله به زنان در سال ۹۲ به درجه ای بود که پارلمان اروپا سال گذشته با تصویب قطعنامه شدیداللحنی، تعقیب و آزار زنان از طرف جمهوری اسلامی را محکوم کرد.

— ۱۶ ژوئیه سال ۹۲، خبرگزاری فرانسه طی گزارشی، دستگیری توده وسیعی از زنان را بخاطر عدم رعایت حجاب، برملا کرد. همین خبرگزاری بعلاوه خبر مجازات شدن زنی را بوسیله شلاق که بخاطر عدم رعایت حجاب در رودسر (یکی از شهرهای ایران) به اجرا درآمده بود، منتشر کرد.

— طبق اظهار یکی از روزنامه های رسمی کشور (سلام)، در روز ۶ اوت سال ۹۲، گروهی از افراد حزب الله (دسته های بانده سیاهی رژیم)، بروی صورت

زنان ایرانی:

## سریع، خودت را بپوش!



زنانی که خود را آراسته بودند، رنگ پاشیدند.

— پس از پایان انتخابات ریاست جمهوری در ژوئن سال جاری ۹۳— حمله وسیعی علیه زنان در سرتاسر کشور و بخصوص در پایتخت برآه افتاد. صدها هزار

نفر مورد حمله قرار گرفتند، قریب هزار نفر دستگیر شدند و تعداد زیادی از زنان بخاطر رعایت نکردن مقررات حجاب و جداسازی بوسیله شلاق تنبیه شدند. اخیر این حمله علاوه بر رادیوها و روزنامه های ایران، در خارج کشور وسیعاً پخش شده است. از جمله رادیوهای بی بی سی، اسرائیل و خبرگزاری فرانسه، خبر این حمله را منتشر کردند.

قانون، طبق تعالیم اسلام، از مردانی که زنان خود را بخاطر سربلندی از فرامین آنها مورد ضرب و شتم قرار میدهد، حمایت میکند. خشونت علیه زنانی که در روابط خانوادگی رفتاری جز رفتار اسلامی داشته باشند، مجاز است.

آیا میدانید که اجرای قوانین ضد زن در ایران، شرایط کار نیمی از مردم را بشدت وخیم و اسفبار کرده است؟

— طبق آمار رسمی کشور، ۹۵٪ از زنان آماده بکار در ایران شغل با درآمد مستقل ندارند.

— در گزارش کمیسیون کار سازمان ملل، اعلام شد که نرخ اشتغال زنان در ایران یکی از پایین ترین مراتب را در میان کشورهای عضو دارد. ایران در ردیف ۱۱۶ از ۱۱۸ کشور عضو است.

— طبق آمار رسمی کشور، طی پانزده سال گذشته هر سال بطور متوسط ۲ درصد از تعداد زنان شاغل کاسته شده است و تعداد آنها از یک میلیون و دویست هزار به ۹۷۵ هزار نفر کاهش یافته است. و این درحالی است که طی این سالها، جمعیت از زیر ۵۰ میلیون به بالای ۵۸ میلیون، رسیده است.

— طبق همین آمار نرخ بیکاری زنان، طی همین سالها از ۱۶/۳٪ به



۶/۲۵٪ افزایش یافته است.

— مرخصی دوران بارداری که پیشتر ۹۰ روز بود، به ۷۵ روز کاهش یافته است و پس از پایان مرخصی دوران بارداری هیچگونه تضمینی برای ادامه کار زنان وجود ندارد.

— اغلب مهدکودکهای دولتی بسته شده اند، و معدود زنانی که میتوانستند با استفاده از این حداقل امکانات شغل هایشان را حفظ کنند، از کار بیکار شده اند.

— طبق آمار رسمی کشور، حدود نیمی از کل زنان شاغل در شهرها (۴/۴۴٪) معلم هستند و یا در مشاغل آموزشی کار میکنند و ۹٪ آنان پرستار و بهیار هستند. این مشاغل در ایران مشاغلی با دستمزد پائین است و از جمله رشته هایی است که رژیم به دلایل شرعی ( یعنی لزوم کار کردن معلمین و پرستاران زن در میان محصلین و بیماران زن) از کار زنان ممانعت بعمل نیاورده است.

— پس از سن ۲۲ سالگی که عموماً سن ازدواج و بچه دار شدن است، جویندگی کار برای زنان بشدت تنزل میکند و در حدود ۳۰ سالگی تقریباً متوقف میشود.

— شرایط کار اکثر زنان کارکن جامعه، بسیار ناسالم و خطرناک است. اغلب آنها به کارهایی با پایین ترین دستمزدها، به کارهای سیاه و بدون حق برخورداری از حداقل حقوق قانونی، و ساعات کار طولانی تا ۱۴ ساعت در شبانه روز، مشغولند.

— کار کنتراتی در کارگاههای خانگی، چون کار در قالیبافی ها، کوره پزخانه ها و خدمات خانگی کارهای زنانه جامعه است. میلیونها زن از سنین طفولیت (۶،۵ سالگی) در این رشته ها کار میکنند.

... طبق آمار دولتی قریب دو میلیون نفر در عرصه کارهای دست ساز، صنایع دستی، کار میکنند و با احتساب افراد تحت تکفل شان جمعیت بیش از ۹ میلیون نفر از این طریق، یعنی از طریق کارهای بی حقوق سیاف و عموماً زنانه، امرار معاش میکنند.

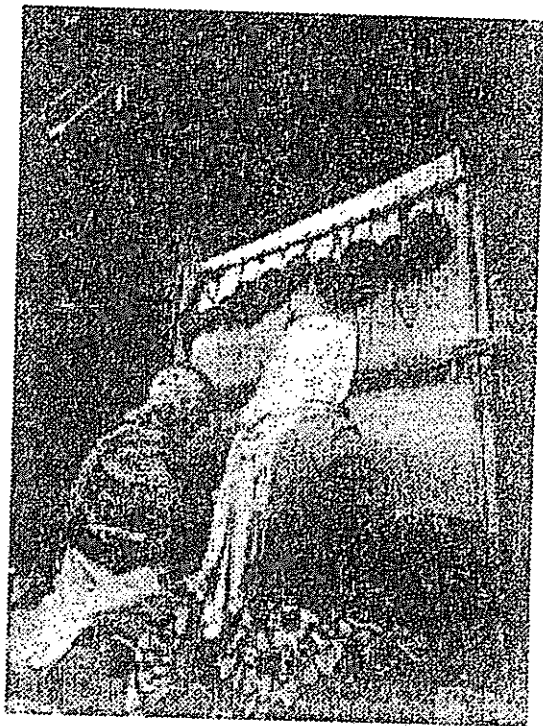
... طبق گزارش رادیو تهران، خطرات زیادی سلامت قالیبافان - که غالباً زنان و دختر بچه ها هستند - را تهدید میکند. از جمله: بیماری سیاه زخم و ناراحتی های ریوی که بر اثر تماس انسان با پشم و استنشاق ذرات گرد و غبار بوجود میآید، پوسیدگی استخوان که بدلیل تاریکی محل کار و کمی نور آفتاب موجب میشود، ضعیف و کم سو شدن چشمها که بخاطر خیره شدن مدام کارگر به محل کار بوجود میآید، و تغییر شکل استخوان های زانو ورم مفاصل پا و تنگ شدن لگن خاصره که بخاطر وضعیت نادرست نشستن پشت دستگاه قالیبافی موجب میشود. این عارضه در زنان موجب اشکال در زایمان و لزوم عمل جراحی میشود.

... طبق گزارش کنگره بهداشت شغلی و طب صنعتی، طی شانزده ماه میزان زایمان های غیرطبیعی (سزارین) در زنان قالیباف در یکی از زایشگاههای شهر یزد، بیش از چهار برابر سایر زنان بوده است و تکرار این عمل جراحی در قالیبافان از بار اول تا چهارم زایمان مشاهده شده است.

آیا میدانید که بی حقوقی زنان در ایران، همچون سایر نقاط جهان، سلامت آنها، تولید نسل، زندگی نوزادان و کودکان را بشدت تحت تاثیر قرار داده است.

... طبق گزارش یکی از روزنامه های رسمی (کیهان)، در ایران روزانه حداقل هفت مادر - سالانه ۷۶۰۰ نفر - بر اثر عوارض بارداری و زایمان میمیرند. طبق آمار رسمی در نقاط روستایی بسیاری، هیچ پزشک زنان، پرستار، بهیار و ماما وجود ندارد و دوسراسر کشور برای هر ۳۵ تا ۴۰ هزار زن و دختر بین سنین ۱۵ تا ۵۴ سال تنها یک پزشک زنان وجود دارد.

— جمعیت ایران تا ۲۰ سال دیگر به ۱۳۰ میلیون نفر خواهد رسید، نرخ رشد جمعیت ۲/۷٪ و یکی از بالاترین نرخ های رشد جمعیت در جهان است.



— تنها ۱۷٪ خانواده ها تحت پوشش برنامه های تنظیم خانواده قرار دارند. بعلت عدم آموزش فقط ۷٪ زنان از وسائل جلوگیری از بارداری بطور صحیح

استفاده میکنند و مردان کمترین آموزشی در این زمینه نمی بینند.

— در ایران از هر سه حاملگی یکی ناخواسته است و مرگ و میر بین کودکان ابعادی دهشتناک دارد.

### طبق گزارش یکی از سمینارهای رسمی پزشکی ایران در سال ۹۲:

— از هر ۱۰۰ نفر که در ایران میمیرند، ۴۱ نفرشان کودک زیر پنج سال اند.

— حدود ۱۴٪ کودکانی که در سال متولد میشوند، زنده نمی مانند. بیش از ۱۸٪ آنها هنگام تولد، بیش از ۱۵٪ آنها بعد از یک ماهگی و بقیه تا ۵ سالگی میمیرند.

— سالانه ۱۶ هزار کودک بر اثر اسهال و ۲۴ هزار کودک بر اثر بیماریهای عفونی می میرند.

— و آیا همین اندازه از واقعیات کافی نیست تا همدردی با شرایط کار و زندگی زن در خانواده و اجتماع در ایران را بطلبد؟

— آیا حق پناهندگی زنان گریخته از این جهنم قابل دفاع نیست؟

بی شک جمهوری اسلامی مسبب اصلی بی حقوقی زن در ایران است و دولتهایی که حکومت ایران را علنی یا غیر علنی، رسماً و یا غیر رسمی مورد حمایت قرار میدهند، شریک جرم فعال رژیم اسلامی در سرکوب زنان هستند. فشار به دولتها برای قطع حمایت از جمهوری اسلامی و پایان دادن به مشروعیت رسمی این رژیم، مبارزه زنان درایران را برای احقاق حقوق خود تسهیل میکند.

ما، فعالین کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان ایران، از سازمانهای زنان، احزاب و انجمن ها و نهادهای مترقی و مدافع برابری زن و مرد و اتحادیه های کارگری، انتظار داریم که با صدور قطعنامه هایی در محکومیت جمهوری اسلامی و ارسال نامه های اعتراضی به نمایندگی ها، سفارتخانه ها و طرفهای سیاسی این رژیم، همبستگی خود را با اعتراض دهها میلیون زن در ایران، اعلام کنند.

ما، فعالین کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان ایران، از تمامی مدافعین برابری انسانها مستقل از جنسیت، افراد شخصیت ها نهادها و اتحادیه ها و احزاب، انتظار داریم که در مطالبه عاجل زنان در ایران یعنی:

لغو فوری پوشش اجباری و لغو فوری جداسازی زن و مرد در جامعه، این دو نشان بسیار بارز وجود آپارتاید جنسی در ایران، را مورد حمایت قرار دهند و به تلاش ما در اعمال فشار برای تحمیل این دو خواست یاری رسانند.

— قطعا هر انسان آزادیخواه، زن یا مرد، با خواندن و شنیدن مجدد واقعیات بی حقوقی زنان در ایران و بیاد آوردن مصائب آنها، در اعتراض به آپارتاید جنسی در ایران، جای خود را در کنار ما خواهد یافت.

دست همگی شما را که در این راه ما را یاری می دهید، صمیمانه  
می فشاریم

تویا شهابی — کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان ایران

۱۹۹۳ هـ

## منابع

- آمار رسمی کشور، چاپ ایران  
نشریه حقوق بشر، چاپ ایران  
"مجله خانواده"، چاپ ایران  
اخبار و گزارشات رسمی کیهان، چاپ ایران  
اخبار و گزارشات روزنامه جمهوری اسلامی، چاپ ایران  
گزارشات روزنامه کار و کارگر - خانه کارگر - ایران  
گزارشات رادیو کار و کارگر جمهوری اسلامی  
گزارشات رادیو تهران  
اخبار و گزارشات رادیوها، بی بی سی، اسرائیل، پژواک سوئد و خیرگزاری  
فرانسه  
اخبار و گزارشات روزنامه صبح غرب سوئد "Göteborgsposten"  
گزارشات دریافتی مستقیم از ایران  
گزارشات حقوق بشر  
گزارش پارلمان اروپا  
گزارشات نشریه کارگر امروز، چاپ خارج کشور  
هفته نامه ایران تربیون، چاپ خارج کشور

# سند محکومیت رژیم جمهوری اسلامی ایران و حق پناهندگی سیاسی زنان گریخته از ایران را تأیید و امضا کنید!

## از آنجایی که در ایران:

قوانین مدنی، دستگاه حاکمه، دستگاه قضایی، پلیس و انتظامات، رسماً و علناً  
ضد زن هستند.

جدایی جنسی بین زن و مرد در تمام شئون زندگی اجتماعی و خانوادگی برقرار  
است و این جدایی عموماً با سرکوب زنان به اجرا در می‌آید.

زنان و دختران قانوناً از آزادی انتخاب پوشش محروم اند.

در تمام اماکن عمومی زنان و مردان از یکدیگر جدا شده‌اند و زنان رسماً  
اجازه ورود به محدوده‌های بسیاری را ندارند.

## از آنجایی که در ایران:

خشونت علیه زنانی که خارج از احکام اسلام در زندگی خانوادگی و اجتماعی

رفتار میکنند، قانونا مجاز است و این مجازات متناسب با میزان "خطا" زن میتواند از ضرب و شتم تا قتل باشد.

زن قانونا از نظر اقتصادی به مرد وابسته است.

هرگونه معاشرت و دوستی زن و مرد خارج از عقد ازدواج جرم شناخته میشود و شامل مجازاتهایی چون شلاق، زندان، ازدواج اجباری و مرگ است.

تن فروشی زن بخاطر امرار معاش، بشرط رعایت مقررات اسلام، قانونی است.

زنان از آزادی انتخاب همسر محروم اند و تعدد زوجات برای مردان قانونی است.

### از آنجایی که در ایران:

زنان از حق طلاق و آزادی جدایی از همسر محروم اند و این حق یکجانبه و تنها برای مردان به رسمیت شناخته شده است.

پس از جدایی زن نسبت به فرزندان خود کمترین حقی ندارد و قیومت آنها تماما به پدران و در غیاب پدران به سایر مردان خانواده سپرده شده است.

پس از طلاق زن نسبت به اموال و دارایی های زندگی مشترک، حقی ندارد.

زنان و دختران قانونا از حق مسافرت، خروج از منزل و اشتغال بکار، بدون کسب اجازه از شوهر محرومند.



زندگی نیمی از مردم این کشور را غیر انسانی و جهنمی کرده است.

## از شما میخواهیم که با قائلید گذاردن بر خواستهای ما هبنی بر:

۱- محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر زن آزاری سیستماتیک و اعمال آپارتاید جنسی علیه زنان و

۲- برحق بودن مطالبه "حق پناهندگی سیاسی زنان گریخته از جهنم ایران اسلامی".

اعتراض میلیونها زن در ایران را مورد حمایت قرار دهید و به مقاومت و مبارزه روزمره آنها یاری رسانید.

### از شما میخواهیم که:

با ارسال نامه های اعتراضی و "محکوم کردن آپارتاید جنسی در ایران" و ارسال این نامه ها برای دفاتر، سفارتخانه ها، نمایندگی ها و مجامع بین المللی و نهادهای طرفدار آزادی بشر، نفرت و انزجارتان از حاکمیت رژیم تماما ضد زن جمهوری اسلامی، را اعلام کنید و

با ارسال نامه هایی در "دفاع از حق پناهندگی سیاسی زنان گریخته از ایران"، برای نهادهای بین المللی پناهندگی، سازمان ملل، حقوق بشر و ادارات مهاجرت و پناهندگی، مانع اخراج زنان گریخته از ایران شوید.

کمیته بین المللی دفاع از حقوق زنان ایران در سوئد K.F.K.I

۹۳ هـ

## از آنجایی که در ایران:

زنان از حق قضاوت قانونا محرومند. این محرومیت علنا و رسماً تحت این عنوان که به منطقی بودن و عاقل بودن زنان اعتمادی نیست، قانونیت یافته است.

شهادت در زن در دادگاهها و مراجع قضایی معادل شهادت یک مرد است و شهادت هرتعداد زن در یک پرونده قضایی بدون شهادت حداقل یک مرد، تماماً بی اعتبار است.

ارزش زندگی زن طبق قانون قضایی، از ارزش زندگی مرد کمتر است و باین خاطر مجازات به قتل رساندن یک زن از مجازات به قتل رساندن یک مرد کمتر است.

زنان از تحصیل در بیش از ۹۰ رشته تحصیلی محروم اند.

## و از آنجا که تحت حاکمیت این آپارتاید جنسی

تا کنون صدها هزار زن، بخاطر زیرباگذاردن قوانین ضدزن، به مجازاتهایی چون اخراج از کار، محرومیت از تحصیل، ازدواج اجباری، جریمه نقدی، زندان، شلاق، و مرگ محکوم شده اند.

ده ها هزار اعتراض جمعی مردم، زن و مرد، علیه آپارتاید جنسی، سرکوب شده است و هزاران نفر در این اعتراضات دستگیر و شدیداً مجازات شده اند.

چهارده سال حاکمیت رسمی و قانونی آپارتاید ضد زن در ایران، شرایط کار و

اگر به ایران میروید، نشان و علائم زنانه را پنهان کنید، نه به این خاطر که سرانجام ناچاران خواهند کرد آنها را بیوشانید، بلکه به این خاطر که مجبور نباشید چند روزی را چون زن تحت حکومت اسلام بگذرانید. بهتر است زن بودن خود را انکار کنید تا اسارت و هر روز و هر لحظه تحقیر شدن را تجربه نکنید. قریب سی میلیون زن و دختر بچه ای که بیش از ۱۲ سال است که تحت حکومت آپارتاید جنسی زندگی می کنند، چنین امکان و راه فراری ندارند.